



The Requirement of Ownership in Real Estate Transactions in the Metaverse from the Perspective of Imamiyyah Jurisprudence

Mohammad Faezi * and Ruhollah Behram Arjavand **

Received: 2023, Aug 22 | Received in revised form: 2023, Dec 1 | Accepted: 2024, Feb 7 | Published: 2024, Jul 15

Abstract

Given that the virtual space, particularly the metaverse technology, is considered one of the novel topics, it is necessary to examine its aspects from an Islamic Fiqhi perspective. The metaverse is a digital space that deals with various technologies such as virtual reality, augmented reality, digital currencies, and the internet. This digital world is interconnected through blockchain, virtual reality, augmented reality, online games, and digital assets, and it is claimed to have numerous applications and benefits in education, medicine, economy, entertainment, etc. One of the issues related to the metaverse space is the purchase of real estate in such a space, as the question arises as to whether the conditions of the counterparts, including the requirement of ownership, apply to real estate and land in the metaverse or not. In this paper, using a descriptive-analytical method and relying on library resources, after explaining the conditions for ownership, it is proven that the real estate traded in the metaverse have both fiqhi and legal ownership. Furthermore, by examining the major premise of the requirement of the validity of a transaction on the ownership of the counterparts, it has been clarified that the lack of ownership of these real estates does not prevent the generalization of the validity of the transaction to them.



Keywords: property, customary ownership, metaverse, real estate transaction, conditions of counterparts.

* Graduate of Level 4 in Fiqh and Usūl, Seminary of Qom, & Researcher at 'A'eme 'Athār Fiqhi Research Center; (Corresponding Author). Email: m.faezi110@gmail.com.

** Graduate of Level 4 in Fiqh and Usūl, Seminary of Qom; Email: sandoooghee@gmail.com.

□ Faezi, M., & Behram Arjavand, R., (2024), The Requirement of Ownership in Real Estate Transactions in the Metaverse from the Perspective of Imamiyyah Jurisprudence. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 2 (1), 121-140. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2024.9895.1032>



شرط مالیت در معاملات ملکی در متاورس از منظر فقه امامیه

محمد فائزی* و روح‌الله بهرام ارجاوند**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

چکیده

از آنجاکه فضای مجازی و خصوصاً فناوری متاورس یکی از مباحث جدید شمرده می‌شود، لازم است که جوانب آن مورد بررسی فقهی قرار گیرد. متاورس فضای دیجیتالی است که با فناوری‌های مختلفی مانند واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و ارزهای دیجیتال و اینترنت سروکار دارد. این دنیای دیجیتالی از طریق بلاک‌چین، واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، بازی‌های آنلاین و دارایی‌های دیجیتال به هم متصل شده است و این‌گونه ادعا می‌شود که دارای کاربردها و فوائد فراوان در آموزش، درمان، اقتصاد، سرگرمی و... می‌باشد. یکی از مسائل مرتبط با فضای متاورس خرید ملک در چنین فضایی است، زیرا این سؤال مطرح می‌شود که باتوجه به مجازی بودن فضای متاورس آیا شرایط عوضین و از جمله آن، شرط مالیت در مورد ملک و زمین صدق می‌کند یا خیر؟ در این نوشته با روش توصیفی و تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، بعد از تبیین ارکان مالیت، اثبات شده است که املاک مورد معامله در متاورس دارای مالیت عرفی و شرعی هستند. همچنین با بررسی کبرای اشتراط صحت معامله به مالیت داشتن عوضین روشن شده است که عدم مالیت این املاک مانع از شمول عمومات صحت معامله نسبت به آن نمی‌شود.



واژگان کلیدی: مال، مالیت عرفی، متاورس، معامله ملکی، شروط عوضین.

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم؛ استاد سطوح عالی؛ پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام (نویسنده مسئول).

m.faezi110@gmail.com |

** دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم | sandooghee@gmail.com |

□ فائزی، محمد و بهرام ارجاوند، روح‌الله. (۱۴۰۳). شرط مالیت در معاملات ملکی در متاورس از منظر فقه امامیه، پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه. ۲(۱)، ۱۴۰-۱۲۱. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2024.9895.1032>

مقدمه

فقه شیعه به عنوان یک فقه پویا و پیشرو، عهده‌دار پاسخ‌گویی به سؤالات جدید و تعیین وظیفه مکلف در مواجهه با امور مستحدثه است. یکی از عرصه‌هایی که فقه باید ورود پیدا کند و پاسخ‌گوی مسائل در آن باشد، عرصه فضای مجازی است. این عرصه که با سرعت زیادی در حال گسترش می‌باشد دارای خصوصیات مانده پیچیدگی موضوعات، گستره شمول، آثار و تبعات زیاد در زندگی مکلفین و... است که مواجهه فقه با آن را دچار چالش می‌کند.

چند سالی است که مفهومی به نام متاورس به عنوان یکی از فناوری‌های نوین در عرصه فضای مجازی به دنیا معرفی شده است. این فناوری جدید هر روز در حال پیشرفت بوده و افراد بیشتری را درگیر می‌نماید به طوری که احتمالاً در سال‌های نه‌چندان دور بیشتر مردم کره زمین به نحوی درگیری و ارتباط با این فناوری را تجربه خواهند کرد و از طرفی متاورس هر روزه شئون و جنبه‌های جدیدی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد به نحوی که عرصه‌های مختلف زندگی انسانی متأثر از این فناوری خواهد شد. از همین روی ضرورت شناخت صحیح از این فناوری و پاسخ‌گویی به سؤالات فقهی مرتبط با این ضروری و لازم است.

یکی از اولین سؤالات فقهی که در مواجهه با متاورس پیش می‌آید، حکم شرعی خرید و فروش زمین و امثال آن در متاورس است. برای یافتن پاسخ این سؤال ضروری است که جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گیرد از جمله این جنبه‌ها بحث از وجود شرایط عوضین در این معاملات است. یکی از شروط بیان شده در فقه برای صحت معامله، مالیت عوضین هست که اشتراط آن صغرویا و کبرویا در این نوشته مورد بررسی قرار گرفته است. پیرامون متاورس مقالات متعددی نوشته شده است که غالب مقالات موجود در مورد چیستی متاورس و یا مسائل حقوقی مرتبط با آن و یا کاربردهای آن می‌باشد؛ ولی نسبت به بررسی فقهی خرید و فروش زمین و ملک در متاورس مقاله‌ای به رشته تحریر درنیامده است. از این رو نوشته حاضر در صدد بررسی فقهی عنوان موردنظر از منظر امامیه است.

در این نوشته ابتدا بحث موضوع‌شناسی مطرح شده و مفهوم متاورس و مفاهیم مرتبط به آن تبیین شده است و سپس با تبیین مفهوم مال در فقه شیعه به بررسی صغروی و کبروی مالیت پرداخته شده است و در مرحله بعد تطبیق این شرط بر معاملات متاورس صورت گرفته است.

موضوع‌شناسی

باتوجه به جدید بودن و ناآشنا بودن مفهوم متاورس و مفاهیم مرتبط با آن ضروری است قبل از بحث از حکم مسئله به تبیین موضوع محل بحث پرداخته شود از این‌رو این مفهوم و مفاهیم مرتبط با آن به طور مختصر بیان می‌شود:

متاورس

عبارت متاورس از پیشوند «متا» به معنای فراتر و پسوند «ورس» به معنای جهان گرفته شده است که به معنای «فراتر از جهان» است. در سال ۱۹۹۲، شخصی به نام نیل استفنسون که یک نویسنده علمی تخیلی بود، اصطلاح متاورس را برای توصیف یک فضای مجازی سه‌بعدی ابداع کرد. در حال حاضر متاورس این‌گونه شناخته می‌شود: یک دنیای دیجیتالی که با فناوری‌های مختلفی مانند واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و ارزش‌های دیجیتال و اینترنت سروکار دارد.

همچنین متاورس دنیای دیجیتالی شبیه‌سازی شده است که از فناوری‌های واقعیت مجازی و واقعیت افزوده استفاده می‌کند. لازم به ذکر است که متاورس نسل جدیدی از اینترنت است و فقط یک محیط دیجیتال برای بازی‌های آنلاین نیست. این دنیای دیجیتالی از طریق بلاگ‌چین، واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، بازی‌های آنلاین و دارایی‌های دیجیتال به هم متصل شده است. همچنین در متاورس فرصت‌های شغلی بسیار زیادی وجود دارد.

به‌طور کلی متاورس به افراد اجازه می‌دهد در یک محیط مجازی کار کنند، خرید کنند، ورزش کنند، تجارت کنند، زمین بخرند یا حتی اثر هنری خلق کنند.

متاورس یک نسخه ۳ بعدی از اینترنت فعلی ماست. و می‌توان آن را به‌عنوان یک اینترنت در نظر گرفت که شما در داخل آن هستید، نه اینکه فقط به آن نگاه می‌کنید. در متاورس با حجم عظیمی از تکنولوژی‌ها سروکار داریم. هر کدام برای کاربرد خاصی در نظر گرفته شده‌اند و قابلیت‌های خاص خود را دارند. بعضی از این تکنولوژی‌ها عبارتند از: واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، بلاگ‌چین، رابط‌های کاربری بین مغز و کامپیوتر، زیرساخت اینترنت (سجادیان و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۷-۴۰).

واقعیت مجازی - VR

این تکنولوژی مکان‌های واقعی را شبیه‌سازی می‌کند. موارد استفاده در زندگی واقعی شامل بازی، شبکه‌های اجتماعی، آموزش مجازی و آموزش شغلی است. جان ریسیتیلو، مدیرعامل Unity Software پیش‌بینی می‌کند که همدست‌های واقعیت افزوده و واقعیت مجازی تا سال ۲۰۳۰ مانند کنسول‌های بازی رایج شوند (سجادیان و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۷-۴۰).

واقعیت افزوده - AR

متاورس در واقع بر اساس و پایه تکنولوژی AR پیاده‌سازی شده و اصلی‌ترین تکنولوژی مورد استفاده است. اگر بخواهیم جزئی‌تر موضوع را بررسی کنیم، این فناوری اجزای دنیای واقعی را برای کاربران در متاورس شبیه‌سازی می‌کند. به این صورت که با عینک‌ها و لنزهای لمسی AR و با کمک هوش مصنوعی می‌توانیم در یک دنیای مجازی، مانند دنیای واقعی یک سری کارها مثلاً ساخت یک محصول را انجام دهیم (سجادیان و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۷-۴۰).

آواتار

آواتار کامپیوتری یک فایل گرافیکی شخصی یا تصویری سه‌بعدی است که یک کاربر کامپیوتری را نشان می‌دهد. آواتار اساساً دو نوع دارد: آن‌هایی که در وب‌سایت‌ها استفاده می‌شوند، مثل بوردهای چت وب، و مواردی که در دنیای بازی و مجازی استفاده می‌شوند. با اینکه کاربران وب، فایل‌های گرافیکی ثابت را به‌عنوان آواتار انتخاب می‌کنند؛ اما در دنیای مجازی، آواتار یک کاراکتر سه‌بعدی است. در بسیاری از موارد، تمام ویژگی‌های شخصیت را می‌توان با استفاده از نوارهای اسلایدی یک رابط، برای تغییر ویژگی‌هایی مثل نوع بدن، مو، پوست و لباس شخصی سازی کرد. آواتار در دنیای مجازی در فضای کامپیوتری کاربر، حرکت می‌کند و روی محیط تأثیر می‌گذارد. ضربه‌های ماوس و صفحه کلید کاراکتر را به حرکت در می‌آورد و باعث می‌شود تا کارهای مختلفی انجام دهد. ممکن است راه برود، بدود، بپرد، بجنگد، پرواز کند، تیراندازی کند، فریاد بزند، اشیا را بردارد، درب‌ها را باز کند، یا حتی چیزی بسازد (ترابی و همکاران، ۱۴۰۲، صص ۱۸۵ - ۲۱۶).

توکین

توکین یکی از اصطلاحات ارز دیجیتال است که به یک رمزارز منحصر به فرد یا ارزهای

دیجیتال اشاره دارد. توکین‌ها دارایی‌ها یا ابزارهای قابل تعویض و قابل مبادله‌ای هستند. توکین‌ها معمولاً از طریق فرایند استاندارد عرضه اولیه کوین ایجاد می‌شوند و می‌توانند برای مقاصد سرمایه‌گذاری، ذخیره ارزش یا خرید از آن‌ها استفاده کرد (سجادیان و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۷-۴۰).

تکنولوژی بلاک‌چین

این تکنولوژی باهدف تسهیل تراکنش‌های دیجیتالی سریع و امن در دنیای مجازی متاورس استفاده می‌شود. بلاک‌چین یک دیتابیس مشترک است که به چندین طرف اجازه می‌دهد به اطلاعات دسترسی داشته باشند و آن اطلاعات را در هر لحظه تأیید کنند. فناوری بلاک‌چین یک راه‌حل غیرمتمرکز و شفاف برای کسب درآمد، خریدوفروش، مالکیت و همکاری در متاورس است. ارزش‌های دیجیتال به افراد این امکان را می‌دهند که در حین کار و معاشرت، دارایی خود را در محیط دیجیتال سه‌بعدی انتقال دهند (سجادیان و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۷-۴۰).

NFT در متاورس

NFT توکین‌های غیرقابل تعویض هستند که نشان‌دهنده مالکیت شخصی بر دارایی‌های دیجیتال مانند پست‌های شبکه‌های اجتماعی، اثر هنری دیجیتال، نقاشی، امضا و ... هستند. NFT نقش مهمی در توسعه متاورس دارند. روی بلاک‌چین وجود دارند و در ابتدا برای تجارت دارایی‌های دیجیتال مفید بود؛ اما اکنون موارد استفاده متنوعی دارد. به‌عنوان مثال شما می‌توانید وارد یک فروشگاه شوید و یک لباس را به‌عنوان NFT برای کاراکتر خود خریداری کنید. این NFT منحصراً تحت مالکیت شماست و می‌توانید با قیمت بیشتر یا کمتری بعدها آن را بفروشید. اما رایج‌ترین نوع NFT، اثرها و تابلوهای هنری دیجیتالی است که در دنیای واقعی هم خریدوفروش می‌شود. NFT یا همان توکین‌های غیرقابل تعویض، بیشتر محتوای درون متاورس‌ها را تشکیل می‌دهند. NFT در یک متاورس می‌توانند هر چیزی باشند. از آواتار، لباس و لوازم جانبی برای آواتار و آیتم‌های بازی گرفته تا وسایل نقلیه، و موسیقی، و یا حتی قطعه زمین (سجادیان و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۷-۴۰).

ارزهای دیجیتال و رابطه آن با متاورس

همان‌طور که می‌دانید، متاورس یک دنیای مجازی با الگوبرداری از دنیای واقعی است. پس در آنجا هم برای زندگی کردن و وقت گذراندن، نیاز به یک روش پرداخت وجود دارد. در دنیای مجازی نمی‌شود از پول واقعی (مانند دلار و یورو) استفاده کرد؛ لذا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان یک قطعه زمین یا NFT در متاورس خریداری کرد؟ در اینجا رمزارزها وارد می‌شوند. برخی از پلتفرم‌های متاورس در حال حاضر از ارز دیجیتال به‌عنوان نوعی روش پرداخت استفاده می‌کنند. استفاده از ارزهای دیجیتال همه تراکنش‌های مجازی را خودجوش می‌کند و فناوری بلاک‌چین باعث می‌شود، تراکنش‌ها بسیار امن و همچنین قابل اعتماد باشد. دارایی‌های دیجیتال را می‌توان از طریق توکین‌هایی به نام NFT که با توکین‌های معمولی تفاوت دارند را در اختیار داشت. یک NFT حتی می‌تواند به شکل هنر دیجیتالی، یک ویژگی درون بازی یا... باشد (سجادیان و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۷-۴۰).

مهم‌ترین کاربردهای متاورس

یک مثال از کاربردهای متاورس در بخش مراقبت‌های بهداشتی است که با استفاده از واقعیت افزوده اشاره دارد. AR به‌عنوان یک فناوری حیاتی برای توانمندسازی مهارت‌ها و پایگاه دانش دانشجویان پزشکی ظهور کرده است. به‌عنوان مثال، ابزارهای کمکی جراحی که توسط این فناوری پشتیبانی می‌شوند.

مورد بعدی که در لیست مهم‌ترین کاربردهای متاورس قرار دادیم، به بخش املاک اشاره دارد. واقعیت مجازی یکی از فناوری‌های مهم برای تجربه رانندگی در متاورس است. این فناوری می‌تواند تجربیات واقع‌بینانه و همه‌جانبه‌ای را به مشتریان ارائه دهد که این ویژگی از طرفی به نفع مشاورین املاک است. به‌عنوان مثال، نمایندگان املاک و مستغلات می‌توانند از قدرت واقعیت مجازی برای ارائه تورهای مجازی املاک به خریداران استفاده کنند.

یکی دیگر از کاربردهای متاورس در زمینه آموزش، این است که بسیاری محدودیت‌ها را از بین می‌برد. به‌عنوان مثال شما در خانه خود نشسته و با یک عینک واقعیت مجازی در یک کلاس درس مجازی با فضای سه‌بعدی شرکت می‌کنید. فرض کنید می‌خواهید یک ساختمان

بسازید؛ اما علم کافی را ندارید و نمی‌خواهید با ساختن در محیط واقعی ریسک کنید. در متاورس با قابلیت‌های واقعیت افزوده پروژه‌های موردنظر خود را پیاده‌سازی کنید و نتیجه را در دنیای مجازی ببینید (سجادیان و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۷-۴۰).

مالیت

بعد از تبیین موضوع، لازم است مفهوم مال نیز بیان شود تا بعد از آن صحت معاملات در متاورس را از لحاظ دارابودن این شرط بررسی نماییم:

مال در لغت

کلمه «مال» اجوف واوی (مول) است؛ «مال الرجل، تمول اذا صار ذا مال» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، صص ۱۸۲۱-۱۸۲۲ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، صص ۶۳۶-۶۳۵) در نه‌یاب ابن اثیر بیان شده است که (واو) ماقبل مفتوح بوده است و تبدیل به الف شده است. مال در ابتدا برای مالکیت ذهب و فضه استعمال می‌شده و بعد از آن توسعه پیدا کرده و بر هر چیزی از اعیان که قابل تملک باشد اطلاق شده است. (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۷۳) در قاموس المحيط بیان شده که هر چیزی که مالک آن می‌شود، مال است: «المال: ما ملکته من کل شیء» (فیروزآبادی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۱۸).

مالیت در نظر فقیهان

«مالیت» یک مفهوم عرفی است که فقیهان آن را موضوع احکام متعددی در فقه دانسته‌اند. از همین روی ایشان با تحلیل ارتکازات سعی داشته‌اند که این مفهوم را تبیین نمایند تا موارد ترتب احکام شرعی و عدم آن مشخص شود. در تعبیرات فقیهان امور متعددی به‌عنوان ارکان و شروط مالیت بیان شده است که شش امری که بیشتر محل بحث ایشان بوده است چنین هستند.

اولین رکنی که برای مالیت ذکر شده است این است که مال باید منفعت داشته باشد. اکثر فقیهان این امر را پذیرفته‌اند. (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۳۴۴؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۰۵؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۲ و ص ۱۷۷؛ خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۱)

دومین رکن که در کلمات بعضی از فقیهان ذکر شده است این است که شرط مال بودن این است که عقلای حاضر باشند در مقابل آن بذل عوض کنند. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۷ و خوئی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۷۱؛ خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۴ و ۴۲).

سومین رکن که برای مالیت بیان شده است وجود رغبت نوعیه و اکثریت عقلا است. (خوئی، ۱۳۸۴ق، ص ۳۹۴؛ خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۲۷۷)، این رکن و شرط محل اشکال و بحث بوده و بعضی از فقیهان آن را نپذیرفته‌اند و گفته‌اند رغبت شخصی نیز برای صدق مالیت کفایت می‌کند (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳).

چهارمین رکن که البته در کلمات معمول فقیهان نیست قابلیت ذخیره کردن برای زمان حاجت است که مرحوم خوئی آن را در تعریف مالیت بیان کرده‌اند. (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳) ^۱ این قید در کلمات بعضی از عامه نیز ذکر شده است. (محمود عبد الرحمن، بی تا، ج ۳، ص ۱۹۵ و سعیدی ابوجیب، ۱۴۰۸ق، ص ۳۴۴) ولی حق آن است که این امر از ارکان مالیت عرفی نیست

پنجمین شرط که در تعبیرات برخی علمای علم لغت ذکر شده است، عین خارجی بودن است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۷۳)، ظاهر این قول این است که مال بر منافع یا دیون صادق نیست. این قول، از بعضی از عامه نیز نقل شده است (حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۰۸) ^۲ البته همان‌طور که مطابق تحقیق نیز است کلمات بیشتر فقیهان شیعه از این قید خالی است.

ششمین شرط که در بعضی از عبارات فقیهان آمده است شرط حلیت انتفاع از منافع است. (دزفولی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۹ و نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰ و نائینی، ۱۳۷۳ق، ج ۲، ص ۱۴۵ و خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۳ و عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۱ و تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۵)، البته واضح و روشن است که این امر شرط مالیت عرفی نیست بلکه مالیت شرعی بر آن می‌تواند متوقف باشد.

۱. المال في اللغة ما ملكه الإنسان من الأشياء، وفي العرف أن المالية إنما تنتزع من الشيء بملاحظة كونه في حد ذاته مما يميل إليه النوع، ويدخرونه للانتفاع به وقت الحاجة.
۲. فقه العقود.

تحلیل ارکان و شروط مالیت عرفی

به نظر می‌رسد از اموری که به‌عنوان ارکان مالیت نام‌برده شد سه امر منفعت داشتن و بذل عوض در مقابل آن و رغبت نوعیه، رکن اساسی در مالیت هست؛ زیرا قابلیت ذخیره‌سازی و عین بودن از نگاه عرف مدخلیتی در مالیت ندارد و همچنین امر ششم که حلیت منفعت بود نیز شرط مالیت شرعی است نه عرفی. از همین روی به توضیح این سه امر پرداخته ارتباط مالیت با آن را تبیین می‌نماییم:

همان‌طور که بیان شد بسیاری از فقها ذکر نموده‌اند که قوام مالیت به این است که شیء دارای منفعت باشد. البته واضح است که منفعت هر امر به‌حسب خود آن شیء است؛ مثلاً منفعت ماکول و ملبوس، استفاده آن‌ها در خوردن و پوشیدن است و منفعت زیورآلات و جواهرات در تزیین هست. همچنین بعضی از امور، منفعتشان در قابلیت تبادلی است؛ مثلاً پول‌های امروزی قطعاً از دیدگاه عرف مال به‌حساب می‌آید گرچه تنها منفعتشان در این است که قابلیت معاوضی دارند. مرحوم خوئی در این زمینه می‌فرماید: بدون شک مالیت شرعیه دائر مدار منفعت حلال است و مالیت عرفیه دائر مدار مطلق منفعت است هرچند این منفعت از نظر شرعی حرام باشد، البته نفع بردن از اشیا یک نحو واحد نیست؛ بلکه به سبب مختلف بودن صاحب نفع، مختلف می‌شود، نفع جواهر و نقود، بیع و شراء آن‌هاست و این که آن‌ها ثمن برای کالاها قرار می‌گیرند. (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۳)

همچنین می‌تواند منافع مال، معنوی و علمی باشد؛ مثلاً اگر حیوانی برای مطالعات و آزمایش‌های علمی کاربرد داشته باشد، این مقدار برای صدق مالیت کفایت می‌کند (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳)

فراتر از این نکات، به نظر می‌رسد منفعت حقیقی برای صدق مالیت لزومی ندارد و آن چه مهم است وجود منفعت در دید عرف است. به‌عنوان مثال انواع دخانیات یا مواد غذایی مضر برای بدن، گرچه برای انسان ضرر داشته باشد؛ ولی عرف برای لذتی که در استفاده از این مواد به او دست می‌دهد (گرچه این لذت حاصل تلقین یا جو روانی باشد) قائل به مالیت این اشیا است؛ بلکه حتی مواردی که به علت عادات یا خرافات، برای چیزی منفعت قائل است؛ مثلاً برای سبزه سفره هفت‌سین یا ملزومات مراسمات و اعیاد باستانی یا اشیایی که برای دفع ارواح

و جن و چشم زخم استفاده می شود، در دیدگاه عرفی این اشیا دارای منفعت و مالیت هست (اینکه شارع این مالیت را پذیرفته باشد یا خیر امری دیگر است که در ادامه در بحث مالیت شرعی به آن پرداخته می شود).

نکته نهایی در این بحث این است که اگر به عرف مراجعه کنیم می یابیم برای تصدیق مالیت یک شیء نیاز نمی بیند که آن شیء دارای منفعت ذاتی باشد بلکه نزد عرف بعضی از مصادیق مال موجود است که منفعت ذاتی ندارند و ترتب منفعت در آن ها با جعل و اعتبار صورت گرفته است؛ مانند پول های کاغذی یا تمبرهای نامه یا تمبرهایی که در ادارات برای پیگیری امور اداری نیاز است. مثلاً منفعت تمبر این است که در فرض الصاق آن به نامه موجب می شود که اداره پست آن را به گیرنده تحویل دهد و این ثمره و منفعت به موجب تعهدی بوده است که اداره پست آن را قبول نموده است و الا بر نفس تمبر هیچ منفعتی مترتب نیست و مانند این مثال هر گاه شخص یا اشخاصی وجود منافعی را بر چیزی اعتبار کنند و به آن متعهد شوند، اگر این اعتبار مورد پذیرش عقلا باشد و به آن اعتماد نمایند آن شیء مالیت پیدا می کند؛ مانند اوراقی که دولت ها یا شهرداری ها و یا بلکه بعضی از شرکت های خصوصی منتشر می کنند و حاضرند در مقابل آن خدمات یا کالایی ارائه نمایند.

دومین شرط مالیت این بود که عقلاً حاضر باشند در مقابل شیء بذل عوض نمایند. به نظر می رسد ملاک و معیار اصلی مالیت همین رکن باشد و اگر منفعت داشتن برای مالیت شرط شده است در حقیقت برای این است که موجب شود عقلاً در مقابل آن بذل عوض نمایند. از همین روی اگر چیزی دارای منافع فراوان باشد؛ ولی عرف به دلیلی مانند عدم اطلاع از منافع، راغب به دستیابی آن نباشد، آن شیء مالیت ندارد به عنوان مثال بعضی از اشیا که امروزه به قیمت گزاف معامله می شوند در گذشته به علت عدم اطلاع از منفعت بی ارزش شناخته می شدند. همچنین اگر چیزی دارای منفعت باشد؛ ولی به علت دسترسی آسان و در اختیار بودن، اشخاص حاضر نشوند در مقابل آن بذل عوض کنند؛ مانند اکسیژن که حیات انسان بر آن متوقف است و یا آب کنار رودخانه که منافع زیادی دارند؛ ولی عقلاً حاضر به بذل عوض نیستند.

اما شرط سوم که محل اختلاف نیز است این است که آیا رغبت به دستیابی باید نوعی

باشد و یا رغبت شخصی نیز کفایت می‌کند؟ مرحوم خویی وجود رغبت نوعی را لازم می‌دانند. محقق خوئی برای مثال بیان می‌کند که اگر دست خط پدر یک شخص در یک برگه‌ای باشد، تنها فرزند آن شخص این برگه را می‌خواهد و هیچ‌کس دیگری به این برگه رغبت ندارد، از نظر ایشان این برگه مال نیست هر چند در اینجا معامله و بیع صحیح است. (خوئی، ۱۳۸۴ق، ص ۳۹۴؛ خوئی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۷۷) در مقابل بعضی از فقیهان همین مثال را آورده و ادعا می‌کنند که عرفاً صدق مالیت محقق است. (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳) فارغ از این که حق با کدامیک از طرفین است باید توجه داشت که رغبت نوعیه‌ای که به‌عنوان شرط مالیت گفته شده است به این معنا نیست که همه انسان‌ها یا بیشتر انسان‌ها به آن رغبت داشته باشند و از آن استفاده کنند و الا بسیاری از اموری که قطعاً مال هستند فاقد این شرط می‌شدند مانند ابزار و وسائل تخصصی هر حرفه‌ای که تنها به کار اهل آن حرفه می‌آید و یا داروهایی که تنها برای بیماران خاصی مفید است و برای بیشتر مردم مضر است، بلکه همین مقدار که از طرف جامعه عقلاء مالیت چیزی مورد پذیرش واقع شود و آثار مالیت مانند ضمان اتلاف را بر آن بار کنند برای مالیت کفایت می‌کند.

مال شرعی

در بعضی از عبارات فقیهان آمده است که در مالیت شرط است که انتفاع از شیء از نظر شارع حرام نباشد. (دزفولی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۹؛ نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰؛ نائینی، ۱۳۷۳ق، ج ۲، ص ۱۴۵؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۳؛ عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۱؛ تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۵)

مسئله این شرط در مورد صدق عرفی مالیت نمی‌باشد و مال عرفی مشروط به این شرط نیست مگر اینکه تحریم شارع موجب شود عقلاً از آن روی گردان شوند به حدی که در نگاه عرفی برای شیء مالیتی دیده نشود؛ یعنی حرام قلمداد شدن از جانب شارع به این دلیل باشد که از نظر عرفی انتفاعی نداشته و آن را مال به حساب نمی‌آورد (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۳) از همین روی بعضی از فقیهان مالیت شرعیه را مقابل مالیت عرفیه بیان و تعریف نموده‌اند. (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴)^۱

۱. و أما عند الشرع فمالیه کل شیء باعتبار وجود المنافع المحللة فيه، فعدم المنفعة المحللة (كالخمر و الخنزیر) لیس بمال.

توضیح آن که قائلین به این رکن می گویند قوام مالیت همان منفعت است؛ ولی همان طور که وجود این منفعت یا عدم آن نسبت به زمان و مکان می توان متفاوت باشد و مثلاً ممکن است چیزی در شهر و مکانی منفعت و مالیت داشته باشد و همان چیز در جای دیگر هیچ منفعت و مالیتی نداشته باشد، ممکن است به اعتبار افراد مختلف وجود یا عدم وجود منفعت متفاوت باشد. حال اگر شارع منفعت چیزی را منع کند باید گفت به تبع آن مالیت آن را هم منع نموده است. مرحوم امام در توضیح این امر بیان کرده اند که سلب اثر سبب می شود که مالیت یک شیء سلب شود و ثبوت اثر فی الجمله سبب می شود که مالیت برای یک شیء ثابت شود. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۰۰)

بررسی تأثیر مالیت در صحت معاملات در متاورس

در کتب فقها نسبت به صحت معاملات ملکی در متاورس کلامی وجود ندارد. ولی آقای محسن اراکی در جواب سؤالی که از ایشان نسبت به موضوع محل بحث شده است حکم به بطلان معاملات متاورس داده است. ایشان چنین استدلال نموده است که از آن جا که امور مورد معامله در فضای متاورس مالیت ندارند معامله صورت گرفته نیز باطل است (اراک، ۱۴۰۰).

لذا برای تعیین حکم فقهی مسئله لازم است ابتدا صغرای مسئله یعنی مالیت داشتن املاک در متاورس و سپس کبرای آن یعنی بطلان بیع و معاملات در اثر عدم مالیت را بررسی شود.

مالیت داشتن زمین ها در متاورس (صغری)

بیان شد که مالیت مفهومی عرفی است و فقیهان در راستای تبیین آن کوشیده اند این معنای ارتكازی را با بیان ارکان و شروط مالیت، به حساب آورند. سه رکن اصلی برای مالیت از این قرار بود: داشتن منفعت، بذل عوض برای به دست آوردن آن توسط عقلا، رغبت نوعیه (البته بیان شد که ملاک اصلی همان بذل عوض از طرف عقلا می باشد)، حال باید دید آیا زمین های متاورس واجد این رکن هستند یا خیر؟

نسبت به رکن اول که وجود منفعت است باید گفت بسیار روشن و واضح است که زمین های متاورس دارای منافع متعددی هستند. زیرا سازندگان محیط متاورس گزینه های متنوعی را در جهت سرمایه گذاری در زمین خریده شده پیش بینی کرده اند مانند ساخت مراکز

خرید و یا دانشگاه و بانک و ارائه سرویس و خدمات به دیگر افراد توسط سرمایه‌گذار و کسب در آمد از آن که در جهت به روندی از سرمایه خود است، همچنین خریدار زمین می‌تواند همان زمین را به قیمت دلخواه به دیگری بفروشد.

توضیح بیشتر آنکه منافع متعدد آموزشی اقتصادی، بهداشتی، تفریحی و... بر خرید زمین یا امور دیگر در متاورس، مترتب است و اعتقاد به عدم وجود منفعت تنها از عدم شناخت این فضا ممکن است؛ بلکه در مباحث تبیین معنای مالیت بیان شد که وجود منافع اعتباری برای صدق مالیت کفایت می‌کند (درحالی که بسیاری از منافع متاورس منافی حقیقی هستند؛ مانند منافع آموزشی و درمانی).

نسبت به رکن دوم که بذل عوض برای به‌دست آوردن آن توسط عقلاً است باید گفت پر واضح است که افراد زیادی حاضر به بذل عوض برای به‌دست آوردن زمین و امثال آن در متاورس هستند و هر روزه بر تعداد این افراد و همچنین مبلغی که در این راه خرج می‌کنند افزوده می‌شود. بلی اشخاصی که اطلاع و آگاهی از محیط متاورس و معاملات موجود در آن ندارند، حاضر به بذل مال در این راه نیستند؛ ولی این امر مانع صدق عرفی مالیت نمی‌شود کما اینکه بسیاری از مصادیق مال در نزد عرف و عقلاً این چنین هستند و برای عده‌ای از مردم ناشناخته است؛ ولی این امر مانع صدق مالیت نیست؛ مانند بعضی گیاهان دارویی که افراد ناآگاه به ارزش و فوائد آن حاضر به بذل عوض در مقابل آن نیستند.

اما رکن سوم که وجود رغبت نوعیه است، اولاً بیان شد اعتبار این رکن محل اختلاف است و امری مسلم نمی‌باشد و ثانیاً در بین کسانی که آشنا با محیط متاورس هستند و از سازوکار آن مطلع هستند رغبت نوعی نسبت به سرمایه‌گذاری در محیط متاورس وجود دارد اگرچه به دلیل عدم شیوع این نوع معاملات و آگاه نبودن غالب افراد جامعه از سازوکار معاملات در متاورس و میزان سود آن، هنوز تا ادعای رغبت نوعی در شهر و یا کشور فاصله زیادی وجود دارد. ولی در بحث از تبیین این رکن مشخص شد که مراد از رغبت نوعیه این نیست که اکثر عقلاً علاقه‌مند به دستیابی به آن باشد و الا بسیاری از امور که مالیشان مسلم است مورد رغبت

اکثر افراد نیست؛ مانند داروها که تنها برای بیماران مبتلا به بیماری خاصی مورد رغبت است و یا وسایل هر حرفه و فن یا هنری که تنها اشخاص خاص به آن رغبت دارند. نتیجه آنکه مالیت عرفی امور مورد معامله در متاورس جای هیچ شک و شبهه‌ای ندارد و برای تصدیق این امر کافی است به فضای مجازی سری زد و مشاهده نمود چه مبالغ کلانی در این راه خرج می‌شود و آیا با توجه به این حجم از معاملات و فوائد گسترده و بذل مال و رغبت عقلانی، می‌توان گفت زمین و سایر امور مورد معامله در متاورس، مالیت ندارند؟ اما مالیت شرعی زمین و امثال آن در متاورس نیز با بیانات گذشته واضح و روشن می‌شود؛ زیرا بیان شد مالیت معنایی عرفی است که شارع در فرض تحریم منافع یک شیء از سوی خود آن را الغاء می‌کند و وقتی منافع حلالی برای فعالیت در متاورس وجود دارد؛ مانند آموزش و بهداشت و... دیگر نمی‌توان منکر مالیت شرعی شد.

اشترای صحت معامله زمین‌های متاورس به مالیت (کبری)

فارغ از بحث وجود مالیت در املاک متاورس بحث در این است که مالیت چه تأثیری می‌تواند در صحت معاملات این املاک داشته باشد؟ یعنی ممکن است که شخصی مالیت این املاک را ثابت نماند؛ ولی باز از این ناحیه معاملات این نوع زمین‌ها را دارای خلل نداند. اشترای صحت معامله به مالیت داشتن عوضین در میان فقیهان در مورد بحث قرار گرفته است. ولی آن چه لازم به ذکر است این است که این شرط تنها در معدودی از معاملات ممکن است اخذ شده باشد و این گونه نیست که تمام معاملات منوط به مالیت عوضین باشند. توضیح آن که مرحوم شیخ انصاری در بحث شروط عوضین ذکر نموده است که اولین شرط این است که عوضین مالیت داشته باشند؛ زیرا حقیقت بیع «مبادله مال بمال» است از همین روی اگر عوضین مالیت نداشته باشند، بیعی وجود ندارد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۹) (همچنین مراجعه شود به: نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۶۴؛ اراکی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۰؛ خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۹) در ذیل این کلام مرحوم شیخ، فقهاء به نقد و بررسی این ادعا پرداخته‌اند و عده‌ای از ایشان این شرط را نپذیرفته‌اند. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۷؛ ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۶۵)، مرحوم خوبی در مقام اشکال بر این مطلب فرموده‌اند تعریف مذکور

از بیع یعنی «مبادله مال بمال» صحیح نیست و این امر که بعضی از لغویین این تعریف را ارائه داده اند نیز نمی‌تواند موجب حجیت آن شود زیرا قول لغویین حجت نمی‌باشد از همین روی وجهی برای اعتبار مالیت در بیع وجود ندارد (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۲۰)

آنچه به نظر صحیح می‌رسد عدم اعتبار مالیت در بیع است؛ زیرا بعضی از مصادیق عرفی بیع وجود دارد که «مبادله مال بمال» نیستند. مرحوم خوئی برای بیع عرفی در غیر تبدیل مال مثال‌های متعددی ذکر می‌کنند از جمله خرید و فروش سوسک و عقرب و حشراتی که مالیت ندارند است که یقیناً بیع بر آن‌ها صادق است (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۲۰؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۷)

نکته حائز اهمیت این است که این استدلال که از طرف مرحوم شیخ ذکر شده است تنها در بیع کاربرد دارد و در سایر معاملات و معاوضات کارایی ندارد. از همین روی اگر شخصی اقدام به معاوضه شیئی که مالیت ندارد بکند، نهایتاً در نگاه بعضی از فقیهان این معاوضه او بیع نیست و احکام بیع را ندارد ولی می‌توان این معامله و معاوضه را با عموماً و اطلاعات تصحیح معاملات مانند «اوفوا بالعقود» تصحیح نمود و وجهی بر بطلان وجود ندارد (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۹؛ خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۲۰؛ خراسانی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۳)

نتیجه آن که اولاً به نظر قول صحیح این است که در صحت بیع، مالیت شرط نیست و ثانیاً اگر در صحت بیع یا بعضی از معاوضات خاصه، مالیت شرط باشد؛ ولی اشتراط آن در مطلق معاملات وجهی ندارد و دلیلی بر آن اقامه نشده است فلذا برای صحت این گونه معاملات می‌توان به اطلاعات و عموماً ادله تصحیح معاملات می‌توان تمسک نمود.

نتیجه‌گیری

آنچه پس از بررسی فقهی مسئله شرط مالیت معاملات ملکی در محیط متاورس به دست می‌آید عبارت است از اینکه اولاً امور مورد معامله در متاورس مالیت عرفی دارند. همچنین باتوجه به وجود منافع حلال غیرقابل انکار در محیط متاورس مانند آموزش و بهداشت و غیره و اینکه شارع در فرض تحریم منافع یک شیء از سوی خود آن را الغاء می‌کند، لذا مالیت شرعی هم نسبت به ملک مورد نظر وجود دارد. علاوه بر اینکه با بررسی کبرای اشتراط صحت معامله به

شرط مالیت در معاملات ملکی در متاورس از منظر فقه امامیه | ۱۳۷

مالیت داشتن عوضین روشن شد که عدم مالیت این املاک مانع از شمول عموماً صحت معامله نسبت به آن نمی‌شود. همچنین مشخص شد که آنچه برای مالیت عوضین به‌عنوان رکن باید وجود داشته باشد عبارت است از: منفعت داشتن مورد معامله و بذل عوض در مقابل آن، و رغبت نوعیه، و چون هر سه رکن مذکور در مورد زمین و ملک در محیط متاورس وجود دارد؛ لذا معامله ملک و زمین در متاورس از حیث شرط مالیت فاقد اشکال است.

منابع

۳۲۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). النهاية في غريب الحديث والأثر. قم: اسماعيليان.
۳۲۵. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ سوم. بيروت دار الفكر للطباعة و النشر.
۳۲۶. اراکي، محمدعلي. (۱۴۱۵ق). كتاب البيع. قم: مؤسسه در راه حق.
۳۲۷. اراکي، محمدعلي. (۱۴۰۰). بازید شده در ۱۴۰۲/۱۲/۱ - <https://arzdigital.com/trading-virtual-land-in-metavars-is-not-legal-religiously>
۳۲۸. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی. (۱۴۰۶ق). حاشیه مکاسب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۲۹. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۱۶ق). إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب. چاپ سوم. قم: اسماعيليان.
۳۳۰. ترابی، محمدامین؛ حسنتلی پور یاسوری، طهمورث؛ و جعفری زارع، مرتضی. (۱۴۰۲ق). مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی بازاریابی آواتار در ایران. مدیریت بازرگانی. ۵۶(۱۵). ۱۸۵-۲۱۶.
۳۳۱. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). تاج اللغة و صحاح العربية. بيروت: دار العلم للملايين.
۳۳۲. حائری، سید کاظم حسینی. (۱۴۲۳ق). فقه العقود. چاپ دوم: قم: مجمع اندیشه اسلامی.
۳۳۳. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء (ط - الحديثة). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۳۳۴. خراسانی، آخوند محمدکاظم بن حسین. (۱۴۰۶ق). حاشیه مکاسب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳۵. خمینی، سید روح‌الله موسوی. (۱۴۱۵ق). المكاسب المحرمة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۳۳۶. خمینی، سید روح‌الله موسوی. (۱۴۲۱ق) كتاب البيع (للإمام الخميني). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۳۳۷. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهة، قم: مؤسسه انصاریان.
۳۳۸. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۳۸۴) المستند في شرح العروة الوثقى. قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۳۳۹. خوبی، سید ابو القاسم موسوی. (۱۴۱۸ق) التقيح في شرح العروة الوثقى، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۳۴۰. سعدی، ابو جیب. (۱۴۰۸ق). القاموس الفقهي لغة و اصطلاحاً. چاپ دوم. قم: دار الفكر.
۳۴۱. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۱ق). كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري، ط - القديمة). قم: منشورات دار الذخائر.

۳۴۲. سجادیان، مهیار؛ فیروزی، محمدعلی؛ و پوراحمد، احمد. (۱۴۰۰). مدخلی بر مفاهیم و بنیادهای شهرهای «کریبتویی» و «متاورسی» به هدف بهره‌گیری آگاهانه در کشور ایران. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس. ۴۹(۱۳): ۷-۴۰.
۳۴۳. عراقی، آقا ضیاء‌الدین. (۱۳۶۱). شرح تبصرة المتعلمین. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴۴. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. (۱۴۱۰ق). القاموس المحيط. بیروت: مؤسسه الرسالة للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۴۵. محمود، عبدالرحمان. (بی‌تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية. بی‌جا.
۳۴۶. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی. (۱۴۱۵ق). دراسات فی المكاسب المحرمة. قم: نشر تفکر.
۳۴۷. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۴۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). مستند الشيعة فی أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۳۴۹. نانینی، میرزا محمد حسین غروی. (۱۴۱۳ق). المكاسب و البيع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵۰. نانینی، میرزا محمد حسین غروی. (۱۳۷۳). منية الطالب فی حاشية المكاسب. تهران: المكتبة المحمدية.

References

The Holy Quran

351. Ansari, M. b. M. A. (1991 AH). Kitab al-Makasib (by Shaykh al-Ansari, Old Edition). Qom: Manshurat Dar al-Dhakha'ir.
352. Araki, M. A. (1415 AH). Kitab al-Bay'. Qom: Mu'assasat fi Tariq al-Haqq.
353. Araki, M. A. (2022). Trading in Metaverse. Retrieved from: <https://arzdigital.com/trading-virtual-land-in-metavars-is-not-legal-religiously/>, Accessed on December 01, 2023.
354. Firuzabadi, M. b. Y. (1990 AH). Al-Qamus al-Muhit. Beirut: Al-Risalah Institution for Printing, Publishing and Distribution.
355. Hairi, S. K. H. (1423 AH). Fiqh al-'Uqud. 2nd edition. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami.
356. Helli, 'A. H. b. Y. b. M. A. (1414 AH). Tadhkirat al-Fuqaha' (al-Hadithah edition). Qom: Mu'assasat Al al-Bayt 'alayhim al-Salam.
357. Ibn al-Athir, M. i. M. (1367 AH). Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar. Qom: Ismailiyyan.
358. Ibn Manzur, M. i. M. (1414 AH). Lisan al-Arab. 3rd edition. Beirut: Dar al-Fikr li al-Tiba'ah wa al-Nashr.
359. Iraqi, A. Z. a.-D. (1982). Sharh Tabsirat al-Muta'allimin. Qom: The Islamic Publication Office affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary.
360. Irvani, A. i. ' a.-H. N. (1406 AH). Hashiyah Makasib. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

361. Jawaheri, I. i. H. (1410 AH). *Taj al-Lughah wa Siha al-'Arabiyyah*. Beirut: Dar al-Ilm li al-Malayin.
362. Khomeini, S. R. M. (1415 AH). *Al-Makasib al-Muharramah*. Tehran: Institute for the Publication and Distribution of Imam Khomeini's Works.
363. Khomeini, S. R. M. (1421 AH). *Kitab al-Bay' (li al-Imam al-Khomeini)*. Tehran: Institute for the Publication and Distribution of Imam Khomeini's Works.
364. Khu'i, S. A. a.-Q. M. (1417 AH). *Misbah al-Fiqahah*. Qom: Mu'assasat Ansariyan.
365. Khu'i, S. A. a.-Q. M. (1997 AH). *Al-Tanqih fi Sharh al-'Urwat al-Wuthqa*, Qom: Institute for the Revival of the Imam al-Khoei's Works.
366. Khu'i, S. A. a.-Q. M. (2005). *Al-Mustanad fi Sharh al-'Urwat al-Wuthqa*. Qom: Institute for the Revival of the Imam al-Khoei's Works.
367. Khurasani, A. M. K. i. H. (1406 AH). *Hashiyah al-Makasib*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
368. Mahmud, 'A. a.-R. (n.d.). *Mu'jam al-Mustalahat wa al-Alfaz al-Fiqhiyyah*.
369. Muntaziri Najaf-Abadi, H. 'A. (1995 AH). *Dirasat fi al-Makasib al-Muharramah*. Qom: Nashr al-Tafakur.
370. Na'ini, M. M. H. G. (1993 AH). *Al-Makasib wa al-Bay'*. Qom: The Islamic Publication Office affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary.
371. Na'ini, M. M. H. G. (1994). *Muniyyat al-Talib fi Hashiyat al-Makasib*. Tehran: Al-Maktabah al-Muhammadiyah.
372. Najafi, M. H. (1984 AH). *Jawaherat al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
373. Naraghi, M. A. b. M. M. (1995 AH). *Mustanad al-Shi'ah fi Ahkam al-Shari'ah*. Qom: Al-Beyt Institute.
374. Sa'di, A. J. (1988 AH). *An Encyclopedia of Fiqhi Words and Expressions*. Second Edition. Qom: Dar al-Fikr.
375. Sajjadian, M., Firouzi, M. A., & PourAhmad, A. (2021). An Introduction to the Concepts and Foundations of "Cryptovian" and "Metaverse" Cities, with the Aim of Conscious Utilization in the Islamic Republic of Iran. *Geography and Urban Planning, Zagros Perspective*. 49(13), 7-40.
376. Tabrizi, J. i. 'A. (1416 AH). *Irshad al-Talib ila al-Ta'liq 'ala al-Makasib*. 3rd edition. Qom: Ismailiyyan.
377. Torabi, M. A., Hassanqolipour Yasouri, T., & Ja'fari Zare', M. (2023). Conceptualization and Theorization of Avatar Marketing in Iran. *Business Management*. 56(15). 185-216.